

اشغال این مناطق بوسیله قوای مشترک متفقین و دول متحده امریکا ، متعاقب تخلیه مناطق مزبور ، و به نسبت پیشرفت عمل تخلیه ، تدریجاً انجام خواهد گرفت . کلیه حرکات مربوط به تخلیه و اشغال مناطق مشخصه ، طبق یادداشت شماره ۱ پیوسته ، که در حین امضای معاهده متارکه جنگ قطع شده است ، صورت خواهد گرفت .

(۳) - بازگشت فوری کلیه اهالی مناطق مذکوره فوق با و طان (با کلیه متهمین ، محکومین و اشخاصی که در گرو میباشند) ، که باید فی الفور آغاز گردیده و منتها تا پانزده روز دیگر با اتمام رسیده باشد .

(۴) - تسلیم اسلحه و وسائل جنگی مفصله ذیل ، از جانب ارتشهای آلمان ، با وضع صحیح و سالمی :

- ۵،۰۰۰ نوپ (۲،۵۰۰ سنگین و ۲،۵۰۰ صحرائی) ، ۲۵،۰۰۰ مسلسل سنگین ؛

- ۳،۰۰۰ مین افکن ؛

- ۱۷۰۰ هواپیمای شکاری و بمب انداز ، و درمرحله نخستین کلیه هواپیماهای « D. 7 » و کلیه هواپیماهای بمب انداز شبانه ؛

که باید جلگی درمحل بعد از های متفقین و دول متحده امریکا تسلیم گردیده ، و طبق شرایط مقرر یادداشت شماره ۱ پیوسته ، که در حین امضای معاهده متارکه جنگ قطع گردیده است ، تحویل شوند .

(۵) - تخلیه مناطق ساحل سمت چپ رود « رن » از جانب ارتشهای آلمان . مناطق ساحل سمت چپ رود « رن » ، تحت نظر عده های اشغال کننده متفقین و دول متحده امریکا ، بوسیله مقامات محلی اداره خواهند شد .

عده های اشغال کننده متفقین و دول متحده امریکا اشغال این مناطق را با یادگان های خویش تأمین خواهند کرد ، بقسمیکه ساخلوهای مزبور نقطه های عبور اصلی « رن » را [« مایانس » ، « کبلنتس » و « کلنی » (Mayence, Coblenz, Cologne)] تصرف کرده و در همین نقاط سر پلهائی ، که دارای سی کیلو متر شعاع باشند ، در ساحل سمت راست رود ایجاد نمایند ، و یادگان های نیزجهت نگهبانی نقطه های

استراتژیک این مناطق مأمور سازند .

در ساحل سمت راست رود «رن» ، منطقه پطرفی ایجاد خواهد شد : این منطقه پطرف بین رود و خطی که در مسافت ده کیلومتری موازی بسریلها کشیده شده باشد واقع شده و از سرحد هلند تا سرحد سویس امتداد خواهد داشت .

تخلیه مناطق ساحل سمت راست و ساحل سمت چپ رود «رن» از جانب دشمن بایستی بقسمی صورت گیرد که در پایان مدت دیگر شانزده روزی انجام گرفته باشد ، یعنی سی و یک روز پس از امضای معاهده متارکه جنگ .

تمام حرکات مربوط بتخلیه و اشغال این مناطق طبق یادداشت شماره ۱ پیوسته ، که در حین امضای معاهده متارکه جنگ قطع گردیده است ، انجام خواهد گرفت .

۶) - در کلیه مناطقی که دشمن تخلیه نماید ، تخلیه اهالی اکیداً ممنوع خواهد بود : اهالی این مناطق ، و همچنین اموال آنها از هر گونه ضرر و زبانی مصون خواهند بود . هیچکس بجرم مداخله و شرکت در مسائل مربوطه بچنگ ، تا آن حدودیکه بزمان ماقبل امضای معاهده متارکه جنگ باشد ، تعقیب نخواهد شد .

هیچگونه تخریبی ، بهیچ قسمی ، مجاز نخواهد بود .

تأسیسات نظامی از هر قبیل عیناً تسلیم خواهند شد : همچنین ، ذخائر نظامی از قبیل اغذیه ، مهمات و تجهیزات ، که در طول موعدهی که جهت تخلیه مقرر گردیده است حمل نشده باشند ، مشمول همین قاعده بوده و عیناً تحویل خواهند شد . مخازن اغذیه از هر قبیل ، که مخصوص اعاشه اهالی باشد ، و همچنین کله های گوسفند ، و غیره باید در محل گذارده شده و عیناً باقی بمانند . هیچگونه اقدام رسمی بعمل نخواهد آمد که نتیجه آن کم و کاست بنگاه های صنعتی یا محدود کردن کارکنان آنها باشد .

۷) - طرق و وسائل مواصلات از هر قبیل ، راه آهن ها ، خطوط کشتی رانی ، جاده ها ، پل ها ، خطوط تلگرافی و تلفنی از هر گونه آسیبی مصون و محفوظ خواهند ماند .

تمام خدمتگذاران لشکری و کشوری که حالیه در مواسلات خدمت میکنند
کماکان ابقاء خواهند شد .

وسائل مفصله ذیل بایستی بدول معظمه متفق تسلیم گردند : ۵۰۰۰ ماشین
سوار کرده و ۱۵۰،۰۰۰ واگن صحیح و سالمی که آماده کار باشند ، باضمام کلیه
قطعات یدکی و هرگونه اسباب و افزار لازمه ایکه بآنها مربوط باشند ، در مهلت های
معینه در ضمیمه شماره ۲ که رویه مرفته نباید از سی و یک روز تجاوز نمایند .
بعلاوه ، ۵۰۰۰ انوموبیل بارکش صحیح و سالم نیز سی و شش روزه تسلیم
خواهد شد .

راه آهن های « آلتزاس - لرن » ، با کلیه خدمه و ملزومات منتصب بآنها ، در مدت
سی و یک روز تحویل خواهند شد .

بعلاوه ، ملزومات لازمه بهره برداری در مناطق ساحل سمت چپ رود « رن »
در محل گذارده شده و عیناً باقی خواهد ماند .

کلیه ذخائر ذغال و مواد مربوط بنگاهداری ملزومات ، و همچنین تمام ذخائر
ملزوماتی (ملزومات طرق مواسلات ، ملزومات مخابرات ، کارخانجات و کارگاهها)
عیناً در محل گذارده خواهند شد . این ذخائر ، تا حدودیکه بهره برداری طرق
مواسلات مناطق ساحل سمت چپ رود « رن » مربوط میباشد ، بوسیله دولت آلمان
نگاهداری ، تکمیل و تجدید خواهند گردید .

کلیه کشتیهای بارکشی که آلمان از متفقین بغنیمت گرفته باشد عیناً مسترد
خواهند شد .

یادداشت پیوسته شماره ۲ جزئیات طرز عمل را مقرر داشته است .

(۷) - فرماندهی آلمان ملزم میگردد که ، در مدت چهل و هشت ساعت پس
از امضای معاهده متارکه جنگ ، فهرست کلیه آرایشهای جنگ نقبی را ، از قبیل
انواع مین ها یا دستگاههای احتراق تعویضی که عده های آلمانی قبل از تخلیه مناطق
مشخصه در مناطق مزبور کار گذارده باشند ، اعلام داشته تجسس و تخریب آنها را
تسهیل نماید .

بعلاوه ، کلیه تدابیر زیان بخش را که ممکن است اتخاذ شده باشد اعلام خواهد داشت (منجمله آلودگی چشمه ها یا چاه ها بوسیله مواد سمی یا آلودگیهای دیگری ، و غیره . . .) .

در صورت تخلف ، معامله به مثل خواهد شد .

(۹) - حق مصادره (بشرط تصفیة حساب اهالی) بوسیله ارتشهای متفقین و دول متحده امریکا در کلیه مناطق اشغالی اعمال خواهد گردید .

نگاهداری عدّه هائیکه مناطق رود « رن » را اشغال خواهند کرد غیر از « آلزاس - لرن » بعهده دولت آلمان خواهد بود .

(۱۰) - بازگشت فوری و بلاعوض کلیه اسرای جنگی ، متهمین و محکومین متفقین و دول متحده امریکا ، طبق شرایط جداگانه دول معظمه متفق آزاد خواهند بود بهر قسمی که مایل باشند با این اشخاص رفتار نمایند .

معاهدات سابق راجع بمبادله اسرای جنگی ، و همچنین معاهده ژویه ۱۹۱۸ که قریباً از تصویب خواهد گذشت شامل این مورد بخصوص نبوده و مقررات این ماده کلیه معاهدات مزبور را لغو مینماید .

اما ، بازگشت اسرای جنگی آلمان ، که در هلند و سویس مجبور به توقف میباشند ، کمافی السابق ادامه خواهد یافت . بازگشت اسرای جنگی آلمان ، بمعض انعقاد قراردادهای مقدماتی صلح ، مقرر خواهد گردید .

(۱۱) - بیماران و زخمی هائیکه خارج کردن آنها ممکن نباشد در مناطقی که تخطیه میشوند باقی خواهند ماند ، تا از جانب خدمه آلمانی که باید با ملزومات لازمه در محل گماشته شوند ، مداوا و معالجه گردند .

ب - مقررات راجع بسرحدات شرقی آلمان

(۱۲) - کلیه عدّه های آلمانی که حالیه در مناطقی هستند که پیش از جنگ جزو خاکه اطریش - هنگری ، رومانی و عثمانی ، بوده اند بایستی فی الفور بداخل سرحداتیکه آلمان در یکم اوت ۱۹۱۴ داشته است بازگشت نمایند .

و همچنین ، کلیه عدّه های آلمانی که اکنون در مناطقی میباشند که پیش

از جنگ جزو خاک روسیه بوده اند بایستی ، بمحض اینکه متفقین با توجه بوضعیت داخلی این مناطق صلاح دیدند ، بداخل همان سرحدات آلمانی که در فوق شرح داده شد بازگشت نمایند .

(۱۳) - تهیه فوری مقدمات و شروع تخلیه عده های آلمانی و احضار کلیه مستشاران ، اسراء ، و مأمورین لشکری و کشوری آلمانی که در خاک روسیه میباشند (بداخل سرحدات یکم اوت ۱۹۱۴) .

(۱۴) - وقفه فوری و فونی هر گونه عملیات مربوط بمصادره از جانب ارتشهای آلمانی و همچنین هر گونه اقدامات تحمیلی در داخله سرحدات یکم اوت ۱۹۱۴ « رومانی » یا روسیه ، بمنظور تأمین منابعی جهت داخله آلمان .

(۱۵) - چشم پوشی از معاهده « بخارست » و « برست - لیتووسک » (Brest - Litowsk) و معاهدات منتم آنها .

(۱۶) - متفقین آزادانه در سرحدات شرقی بمناطق که آلمانها تخلیه نمایند ، خواه از طریق « دانتزیک » (Dantzig) و خواه از راه « ویستول » ، دسترسی کاملی خواهند داشت ، برای اینکه بتوانند تدارکات اهالی را تأمین کرده و انتظامات را برقرار نمایند .

ج - در افریقای شرقی

(۱۷) - تخلیه کلیه عده های آلمانی که در افریقای شرقی مأموریت دارند ، در طول مدتیکه متفقین مقرر دارند .

د - مقررات عمومی

(۱۸) - بازگشت فوری و بلاعوض تمام متوقفین اجباری باوطن خودشان ، غیر از آنهاستیکه در ماده ۳ ذکر شده اند ، مانند زندانیان غیر نظامی ، اسرائیکه در گرو باشند ، متهمین یا محکومین متعلق بدول معظمه متفق یا مؤتلف ، بر طبق شرائط تفصیلی جداگانه ، که باید متها تا انتقضای موعده یکماهه انجام گرفته باشد .

ه - مقررات مالی

(۱۹) - با حفظ حق هر گونه دعاوی و مطالباتی که متفقین و دول متحده امریکا

ممکن است در آتیه اقامه نمایند .

جبران و ترمیم خسارات .

در طول مدت متارکه جنگ ، مبادرت دشمن برداشت و تصاحب هر گونه ذخائر

نقدینه ای ، که ممکن است برای وصول غرامات جنگی و نائق و تضمیناتی جهت

متفقین فراهم سازند ، مطلقاً ممنوع خواهد بود .

استرداد فوری ذخیره بانک ملی بلژیک ، و بطور کلی ، تسلیم فوری کلیه مدارک

و اسناد ، اوراق بهادار ، مسکوکات و هر گونه ذخائر نقدینه و اموال (منقول یا

غیر منقول باملزومات و وسائل ضرب مسکوک و چاپ اوراق رایج) که در کشورهای

اشغالی با منافع عمومی و خصوصی تماس داشته باشند .

استرداد طلای روسیه و رومانی که آلمانها ضبط کرده و یا اینکه بانان واگذار

شده باشد .

طلای مزبور ، تا امضای معاهدات صلح ، در تحویل متفقین نخواهد بود .

و - مقررات دریائی

۲۰ - قطع فوری مخاصمات دریائی و تعیین محل ناوگان آلمانی و حرکات

آنها از روی کمال دقت . دادن اعلان بدولتهای بیطرف ، برای اعلام آزادی

دریا نوردی ناوگان جنگی و تجارتی دول معظمه متفق و مؤلف در آبهای ساحلی ،

بدون اینکه با مسائل مربوطه بیطرفی تماس و اصطکاک فراموش گردد .

۲۱ - استرداد بلاعوض کلیه اسرای جنگی نیروهای جنگی و ناوگان تجارتی

دول معظمه متفق و مؤلف ، که حالیه در توقیف آلمانها میباشند .

۲۲ - تسلیم کلیه زیر دریائیهها (بانضمام کلیه رزم ناوهای زیر دریائی و کلیه

ناوهای مخصوص بمین افکن) که اکنون موجود باشند ، با اسلحه و تجهیزات

کامل آنها ، که باید در بنادریکه متفقین و دول متحده امریکا مقرر دارند تحویل

گردند . آنهایکه هدایتشان مقدور نباشد ، از احاطه اسلحه و خدمه خلع سلاح شده

و تحت مراقبت و بازرسی متفقین و دول متحده امریکا گذارده خواهند شد .

زیر دریائیهائی که آماده هدایت باشند پیش از وقت مهیا خواهند شد ، تا بمحض

رسیدن او امر لازمه بوسیله تلگراف بی سیم ، از بنادر آلمانی حرکت کرده و بسمت بندری که جهت تحویل آنها مقرر شده باشد رهسپار گردند . سایر زیر دریاییها نیز باید هر چه زودتر آماده شوند ، تا در صورت اقتضاء بیدرنگ حرکت نمایند .

مقررات این ماده باید در ظرف چهارده روز پس از امضای معاهده متارکه جنگ مجرا گردد .

(۲۳) - ناوهای رودریائی آلمان ، که از جانب متفقین و دول متحده امریکا معین شده باشند ، فی الفور خلع سلاح شده و آنگاه در بنادر دول بیطرفی ، و یا در صورت نبودن چنین بندری در بنادر متعلق بمتفقین ، که دول معظمه متفقین و دول متحده امریکا معین کرده باشند توقیف خواهند گردید .

ناوهای مزبور تحت نظر دول معظمه متفقین و دول متحده امریکا باقی مانده ، فقط قسمتهای مجزائی جهت حفاظت آنها در داخل آنها گذاشته خواهد شد .
ناوهاییکه متفقین مخصوصاً تعیین خواهند کرد بشرح ذیل خواهد بود :

۶ رزم ناو

۱۰ زره دار ناو بخش

۸ رزم ناو سبک

۵۰ دسترویر ، (Destroyers) از تازه ترین نمونه های اخیر .

کلیه ناوهای رودریائی دیگر (بانضمام ناوهاییکه روی رودخانه ها هدایت میشوند) بایستی در تکیه گاههای دریائی آلمان که متفقین و دول متحده امریکا تعیین کرده باشند جمع آوری و کاملاً خلع سلاح شوند ، تا بدین طریق تحت مراقبت و بازرسی متفقین و دول متحده امریکا قرار گیرند .

اسلحه و تجهیزات نظامی کلیه ناوهای نیروی احتیاطی از ناوها پیاده نخواهد شد .

کلیه ناوهاییکه جهت توقیف تعیین شده باشند بایستی پیش از وقت آماده شوند ، تا در مدت هفت روز پس از امضای معاهده متارکه جنگ بنادر آلمان را ترک نمایند .
خط سیر ناوگان بوسیله تلگراف بی سیم تعیین خواهد شد .

(۲۴) - متفقین و دول متحده امریکا این حق را برای خود محفوظ میدارند که ، در خارج آبهای ساحلی آلمان ، کلیه مناطق دریائی را ، که ممکن است دشمن با مین آرایش داده باشد ، رفته و کلیه موانع دریائی را نیز که آلمانها ساخته باشند ، تخریب نمایند . دولت آلمان ملتزم میشود که پد رنگ محل مینها و موانع دریائی را اعلام دارد .

(۲۵) - ورود و خروج دریای « بالتیک » برای ناوگان جنگی و تجارتنی دول معظمه متفق و مؤتلف کاملاً آزاد بوده و این آزادی بوسایل ذیل تأمین خواهد شد : از طرفی ، بوسیله اشغال کلیه قلاع ، استحکامات ، آتشبارها و وسائل تدافعی آلمانها از هر قبیل ، در کلیه تنگه های واقعه در امتداد « کانه گات » (Cattégat) تا « بالتیک » ، و از طرفی نیز ، بوسیله رفتن و تخریب کلیه مینها و موانع در داخل و خارج آبهای ساحلی آلمان ، که طرح ها و محل های دقیق آنها باید از جانب دولت آلمان مشخص گردد ، بدون اینکه با هیچ يك از مسائل مربوطه به بیطرفی تماس و امطکاکی فراهم شود .

(۲۶) - ابقای حالت محاصره دول معظمه متفق و مؤتلف ، با شرایط کنونی ، بوسیله کشتیهای تجارتنی آلمان که در دریا مشهود شوند کماکان مشمول توقیف باشند .

متفقین و دول متحده امریکا ، در طول مدت متارکه جنگ ، تدارکات آلمانرا ، تا حدیکه ضرورت آنها محرز باشد ، در نظر خواهند گرفت .

(۲۷) - تمرکز و توقیف تمام قوای هوائی آلمان در نکه گاههای آلمانها از طرف متفقین و دول متحده امریکا .

(۲۸) - ترك ملزومات ذیل از جانب آلمانها در حین تخلیه ساحل و بنادر بلژیک : کلیه ملزومات بندری و کشتی رانی رودخانه ها ، کلیه کشتیهای تجارتنی و يدك کشتها و کشتیهای بارکشی ، کلیه دستگاهها ، ملزومات و ذخائر هواپیمائی دریائی ، کلیه اسلحه ، دستگاهها و ذخائر از هر قبیل که باید بدون اندك آسیبی در محل تسلیم گردند .

(۲۹) - تخلیه کلیه بنادر دریای سیاه از طرف آلمان و تسلیم کلیه ناوهای روس که آلمانها در دریای سیاه توقیف کرده باشند و تحویل آنها بمتفقین و دول متحده امریکا؛ رهائی کلیه کشتیهای تجارتنی کشورهای بیطرف که از جانب آلمانها توقیف شده باشند؛ تحویل کلیه ملزومات جنگی یا غیر جنگی که آلمانها در این بنادر ضبط کرده باشند، و تسلیم ملزومات مقرر در ماده ۲۷.

(۳۰) - استرداد بلاعوض کلیه کشتیهای تجارتنی متعلق بدول معظمه متفق و مؤتلف، که حالیه در تصرف آلمانها میباشند، و تحویل آنها در بنادریکه متفقین و دول متحده امریکا تعیین نمایند.

(۳۱) - تخریب هر گونه کشتیها یا ملزوماتی، پیش از اینکه عمل تخلیه، تحویل یا استرداد انجام شده باشد، اکیداً ممنوع خواهد بود.

(۳۲) - دولت آلمان رسماً به تمام دولتهای بیطرف، و مخصوصاً بدولت های «نروژ»، «سوئد»، «دانمارک» و «هلند» اعلام خواهد داشت که کلیه تضيقات و تحدیداتیکه بر آمد و رفت کشتیهای آنها با دول معظمه متفق و مؤتلف تحمیل گردیده باشد بکافی الغاء و یکباره موقوف و متروک شده است، اعم از اینکه این تضيقات و تحدیدات بوسیله خود دولت آلمان و یا بوسیله تأسیسات خصوصی آلمانی تحمیل شده باشند، و یا اینکه در عوض امتیازات مشخصی، مانند صدور مصالح ساختمانی دریائی و یا غیر مشخصی مقرر شده باشند.

(۳۳) - پس از امضای معاهده متارکه جنگ، نقل و انتقال هر گونه کشتیهای تجارتنی آلمانی، در زیر پرچم هر دولت بیطرفی که باشد، بهر اسم و رسمی ممنوع خواهد بود.

ز - طول مدت متارکه جنگ

(۳۴) - طول مدت متارکه جنگ، با اختیار نمیدمدت مزبور، سی و شش روز مقرر گردیده است.

در این مدت، چنانچه مقررات مربوط بمتارکه جنگ اجراء نشد، الغای متارکه جنگ ممکن است از جانب یکی از طرفین متعاهد بطرف دیگر متعاهد

اعلام گردد ، مشروط بر اینکه تصمیم الغای متارکه جنگ چهل و هشت ساعت قبلاً اعلام شود . بدیهی است که اجرای مقررات مواد ۳ و ۱۷ ، بعنوان تأخیر در انجام تعهدات در مواعدهای مقرر ، موجب الغای متارکه جنگ نخواهد بود مگر در موردیکه معلوم شود که مسامحه در عمل عمدی بوده است .

برای اینکه اجرای مقررات معاهده حاضر بوجه احسن تأمین گردد ، اصولاً با انعقاد کمیسیون دائمی متارکه جنگ بین المللی موافقت حاصل میشود . کمیسیون مزبور بریاست عالیة فرماندهی کل نیروهای زمینی و دریائی متفقین دایر خواهد بود . معاهده متارکه جنگ حاضر ، در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ ، در ساعت ۵ که عبارت از ساعت فرانسوی است ، با امضاء رسید .

امضاء :

ف . فوش

ر . و . و بیس

ارنبرگر

آ . ابرندرف

ویتر فلدت

فانسلوو

در ساعت ۵ و ۵ دقیقه ، سبت بمتن قطعی معاهده متارکه جنگ ، موافقت حاصل گردید .

تصمیم گرفته شد که نخست صفحه نهائی معاهده مزبور بوسیله ماشین رونویس شده و از جانب نمایندگان طرفین امضاء گردد ، تا بدین طریق بتوان هر چه زودتر به خصامات خاتمه داد .

در ساعت ۱۰ و ۵ ، نمایندگان مختار متفقین و آلمان صفحه نهائی را امضاء کردند . ساعت پنج ، ساعت معهودی است که طرفین بمنزله ساعت امضای معاهده اختیار کردند . فرماندهی کل متفقین ، بمناسبت پیشامدهای سیاسی که اخیراً در آلمان رویداده بود ، خواستار شده بود (در بابان پاسخ ملاحظات) که شرایط ذیل بمتن معاهده افزوده شود :

« چنانچه ناوهای آلمانی در مواعدهای مقرر تحویل نشوند ، دولتهای متفقین

و دول متحده امریکا ذیحق خواهند بود « هیکلاند » (Héligoland) را اشغال نمایند ، تا بدینطریق مسئله تحویل ناوهای مزبور را تأمین کنند .

نمایندگان آلمان اظهار داشتند که امضای این شرط از حدود اختیارات آنان خارج میباشد ، ولی حاضر هستند تصویب احتمالی آنرا در نزد دولت آلمان تقویت نمایند . لهذا ، در نتیجه این مذاکرات ، قرارداد جداگانه‌ای بمیان آمد .

« یرنبرگر » اجازه سخن خواست و اظهارنامه ذیل را ، که چهار نفر نمایندگان آلمانی آنرا امضاء کرده بودند ، خوانده و متن آنرا بمارشال « فوش » تسلیم نمود :

۱۱ نوامبر ۱۹۱۸

اظهار نامه نمایندگان مختار دولت آلمان بمناسبت امضای

معاهده متارکه جنگ :

« بدیهی است که دولت آلمان بانعام قوای خود سعی خواهد بود موجبات انجام شرایط تحمیلی را فراهم سازد .

« نمایندگان مختار امضاء کننده ذیل معترف هستند بر اینکه ، بنابر مداخله آنها ، در پاره‌ای از نکات ، حسن نیتی ابراز گردیده است . از اینرو ، میتوانند چنین بپندارند ملاحظاتی که در ۹ نوامبر در مورد شرایط متارکه جنگ با آلمان اظهار داشته اند و همچنین پاسخ ۱۰ نوامبر که در جواب همین ملاحظات بآنان تسلیم گردیده است ، قسمت لاینفک کلیه معاهده متارکه جنگ محسوب خواهد شد .

« ولی نمایندگان مختار نمیتوانند جای هیچگونه تردیدی در این باب باقی بگذارند که ، علی‌الخصوص بمناسبت محدود بودن مواعدهائیکه جهت تخلیه مقرر گردیده است ، و همچنین تسلیم وسائط بارکشی ضروری ، بیم آن میرود که نمایندگان مختار با وضعیتی مواجه گردند که عملی کردن شرایط مقرر را برای آنان محال و ممتنع سازد ، بدون اینکه اندک قصوری بدوات و ملت آلمان متوجه گردد .

« بعلاوه نمایندگان مختار امضاء کنند ذیل خود را موظف میدانند ، در تأیید مطالبیکه

مکرر کتباً و شفهاً یاد آوری کرده اند، جداً این نکته را تقویت کنند که اجرای این معاهده ممکن است ملت آلمان را رو به رج و مرج و فحطی سوق دهد.

« مذاکراتی که بانعقاد معاهده متارکه جنگ منتهی گردیده است، شرایطی نوید میداد که از طرفی کمال امنیت نظامی حریف ما را فراهم کرده و از طرفی نیز بشکنجه و عذاب اهالی صلح طلب، زنها و بچهها خاتمه دهد.

« ملت آلمان، که در مدت پنجاه ماه با يك دنیا دشمن سر و کار داشته و ایستادگی کرده است، علی رغم هر گونه سختی و خشونت، آزادی و وحدت خود را محفوظ خواهد داشت.

« ملتی که ۷۰ میلیون نفوس دارد ممکن است بهر گونه شکنجه و آزاری تن در دهد، ولی نمی میرد. »

« اعضاء: ارتسبرگر، ابرندرف، ویتترفلدت، فانسلو. »

مارشال « فوش » پایان جلسه را اعلام داشت و نمایندگان مختار آلمان هم خارج شدند.

تلگراف ذیل فی الفور بوسیله تلگراف بی سیم و پیام تلفنی در سرتاسر جبهه به تمام فرماندهان کل مخابره شد:

« اولاً مخاصمات در سرتاسر جبهه از ۱۱ نوامبر ساعت ۱۱، که عبارت از ساعت فرانسوی است، موقوف خواهد شد.

« تا بیا قوای متفقین، تا رسیدن حکم جدیدی، از خطی که در این تاریخ و این ساعت بآن رسیده اند تجاوز نخواهند کرد.

« موقعیت دقیق این خط را مشخص نموده و گزارش دهند.

« ثالثاً تا رسیدن دستوراتی که برای فرماندهان ارتشها فرستاده شده است،

هر گونه رابطه ای با دشمن ممنوع خواهد بود. »

در طی قبل از ظهر همانروز، مدارک و اسناد مختلفه بنمایندگان مختار آلمان

تسلیم گردید. قطار آنان در ساعت ۱۱ و ۳۰ از ایستگاه « رتند » (Rethondes) بقصد

« ترنیه » (Tergnier) حرکت کرد، تا در آنجا بانوموبیلهای خود ملحق گردند.

بنابر درخواست آنان ، کلیه تسهیلات لازمه فراهم گردید ، برای اینکه سروان آلمانی « گیر » (Geyer) ، حامل متن معاهده و نقشه مربوط بآن بوسیله هواپیما بقرارگاه کل نیروی آلمان پرواز نماید .

افسر مزبور در ساعت ۱۲ و ۳۰ از فرودگاه « ترنیه » بوسیله هواپیما حرکت کرد .
امضاء : سر لشکر « ویگان »

ماژر ژنرال ارتشهای متفقین

در ۱۱ نوامبر ، ساعت ۱۱ ، در سرتاسر جبهه ارتشهای متفقین آتش موقوف شده بود . اینک ، در دنبال نبردی که پنجاه و سه هفته متوالی بطول انجامیده بود سکوت نافذ و مؤثری حکمفرما بود . اکنون دیگر آن موقع فرا رسیده بود که ملل مختلفه دنیا باستقرار صلح امیدوار گردند .

فردای آنروز پیامی ، در تهنیت ارتشهای متفقین ، صادر کردم ، باین مضمون :
« افسران ، گروهبانان و سربازان ارتشهای متفقین !

پس از اینکه دشمن را سخت متوقف ساختید ، چندین ماه ، با ایمان راسخ و فعالیت خستگی ناپذیری ، پیوسته ویرا تعاقب کرده و لابنقطع بوی حمله ور شدید .
« اینک بزرگترین نبرد تاریخی را بفتح و فیروزی خود منتهی کرده و عالی ترین مقدمات دنیا ، یعنی آزادی جهان را نجات دادید .

« زهی افتخار و سرافرازی شما !

« پرجمهای خود را با عظمت جاودانی آراسته و با افتخار زوال ناپذیری

زینت بخشیده اید .

« نسل های آینده رهین منت شما خواهند بود .

« مارشال فرانسه ، فرمانده کل ارتشهای متفقین ،

ف . « فاش » .

بخش بیست و دوم

حرکت ارتشهای متفقین بسمت «رن» - معاهده صلح
«و رسای» - بررسی کلی جنگ.

حرکت بسمت «رن»

مارشال «فش» می نویسد :

چند روز بعد ، بر طبق مقررات «پرتکلی» که متعاقب عهدنامه متارکه جنگ
بمیان آمده بود ، ارتشهای متفقین بسمت «رن» (Rhin) حرکت کردند ، برای اینکه
«رنانی» (Rhénanie) و «سریل» «کلنی» (Cologne) ، «کبلتس»
(Coblence) و «مایانس» (Mayence) را اشغال نمایند .

پیش از اینکه دنبال ارتشهای مزبور را گرفته و آنها را در پیشروی فاتحانه
خود تعقیب نمائیم ، ممکن است سؤال کنیم آیا ارتشهای مزبور ، در قبول متارکه
جنگ ۱۱ نوامبر ، وظیفه خود را در قبال کشورهای خویش کاملاً و بوجه احسن
انجام داده بودند ، یا خیر .

معاهده متارکه جنگی که فرمانده کل ارتشهای متفقین امضاء کرده بود نه فقط
معاهده صلحی نبود ، بلکه مقدمات صلح را نیز حائز نبود . این معاهده عبارت از
قراردادی بود که در حین نبرد جهت تعلیق مخاصمات بمیان آمده بود ، تا از طرفی
خونریزی موقوف شده و از طرفی هم دول متخاصم فرصت و مجالی که جهت انعقاد
معاهدات صلح ضرورت داشت تحصیل نمایند . من معاهده متارکه جنگ ، با اینکه
شامل پاره‌ای مقررات سیاسی و مالی آنی الحصولی بود ، وضعیت پایان نبرد دول
متخاصم را مشخص نمی نمود . متفقین تکلیف مهمی بر عهده گرفته بودند ، و آن

عبارت از معاهده صلح بود.

برای اینکه امکان ادای این تکلیف کاملاً جهت دولتها تضمین شده باشد ، ارتشهای متفقین و فرماندهی آنها اینک در صدد برآمده بودند که عملیات خود را با وضعیت نظامی مساعدی موقوف نمایند ، تا در قبال مقاصد دولتهای متبوعه خود و همچنین در مقابل شرایط صلحی که در نظر داشتند به حریف تحمیل نمایند هر گونه مقاومت او را محال و ممتنع سازند . « رن » مانعی بود که در پناه آن آلمان میتوانست فتوحات ارتشهای ما را تردید کند ، قوای خود را دیگر بار متمرکز ساخته و آرایش دهد و بالتسبیح در چگونگی شرایط آشتی چون و چرا کند .

اینک ارتشهای ما مأموریت داشتند این مانع را گرفته و حتی هر دو ساحل رود را تصرف کنند . از اینرو ، قادر میشدند که لدی الاحتیاج ، با ادامه پیشروی خود ، باشکال تراشیهای احتمالی دولت آلمان خاتمه دهند . چنانکه بعدها نیز ، امضای مقررات معاهدات صلح « ورسای » در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ ، بهمان شکلی که دولتهای متفق و مؤتلف امتیاز تنظیم آنرا برای خویشتن حفظ نموده بودند ، همین حقیقت را کاملاً محرز نمود .

بعلاوه ، اشغال « رنانی » (Rhénanie) هم ، بموجب معاهده متارکه جنگ ، وثیقه معتبری بدست متفقین میداد ، تا جائیکه وصول کلیه غراماتی را که در نظر داشتند مطالبه نمایند کاملاً تضمین می نمود .

بدین طریق بود که از یکطرف ، با حفظ امکان تجدید احتمالی جنگ از موضع خیلی مناسب و مساعدی ، و از طرفی نیز با تأمین چنین وثیقه ای که در متن خود معاهده متارکه جنگ گنجانیده شده و فتح قاطعی تنفیذ میکرد ، فرماندهی کل ارتشهای متفقین کلیه وسائل لازمه انعقاد صلح آبرومندی را فراهم نموده و بدست دولتهای متفقین سپرده بود . تا هر گونه آشتی مناسبی را که بین خود شایسته و مقتضی پندارند منعقد ساخته و در عین حال اجرای آنرا هم بدشمن تکلیف نمایند . تصور نشود که در امضای معاهده متارکه جنگ از جانب ما شتاب شده و قطع

ما در این بوده است که آنرا چند روز و حتی چند هفته‌ای بعقب بیا نندازیم ، تا اینکه شکست قطعی آلمان را بشکل شکست کمرشکنی ، مانند سانحه جنگی مهیب «سدان» (Sedan) ، جلوه گر سازیم .

در این باب ، همین بس اثراتی که بر حمله سمت شرقی «مزل» (Moselle) مترتب میشد یاد آوری شود ؛ حمله مزبور ، که برای ۱۴ نوامبر تهیه شده بود ، بمناسبت تعلیق مخاصمات در ۱۱ نوامبر موقوف شده بود . راست است که متعاقب عزیمت بمورد و آغاز سنجیده عمایات ما ، سی کیلومتر بر جبهه سیصد کیلومتری نبرد ما ، که تا آنوقت از دریای شمال تا «لرن» (Lorraine) فانتخانه اجرا کرده بودیم ، افزوده میشد ؛ ولی این تهاجم در مقابل حمله جبهه‌ای ما مستهلك بود ، و با نتایجی که تا آن موقع تحصیل کرده بودیم از اثرات چنین تهاجمی بی نیاز بودیم ، تا جائیکه اندك تغییرات یا اصلاحاتی در وضعیت کلی ما فراهم نمی نمود .

از نیمه دوم ماه ژوئیه ، ارتشهای متفقین با اجرای پکرشته محارباتی ارتشهای آلمان را مغلوب کرده و مجبور بعقب نشینی نموده بودند ، و بالنتیجه اسراء و غنائم عمده‌ای از آنها گرفته بودند ، یعنی ۷۹۹۰ افسر ، ۳۵۵،۰۰۰ تن سرباز ، ۶۲۱۵ توپ ، ۳۸۶۲۲ مسلسل . ارقام فوق‌الذکر از کلیه ارقامی که تاریخ تا آنوقت ضبط کرده بود ، و بنابراین از ارقام «سدان» های بسیاری هم تجاوز میکرد . بانجدید ضربتهای پی در پی خویش ، روحیه دشمن را سخت متزلزل نموده بودند ، تا جائیکه نشئت روحی حریف بهرج و مرج منتهی میشد .

در صورت دوام مخاصمات ، وخامت وضعیت بیش از پیش فزونی یافته و تقویت میشد ، بدون اینکه در این نتایج مسلم تغییر و تبدیلی حاصل گردد . عقب نشینی چند میلیون سرباز مسلح و مجهز ، با داشتن اسلحه سریع‌العمل و ملزومات فوق‌العاده‌ای ، آن نیز در فضای بالنسبه محدودی ، طبعا میبایستی باینگونه نتایج منتهی گردد .

عده‌های آلمانی که با هرج و مرج عقب‌نشینی میکردند عبارت از نوده‌های

«درهم و برهم»، یعنی بقایای پیش از دویت لشکر درهم شکسته‌ای بود که مانند مور و ملخ فضا را گرفته و حرکت میکردند، ولی همین توده‌های مختل با توپ و تفنگ و مسلسل‌های پیشماری مسلح بودند، و بهمین مناسبت تماس با آنها با سهولت میسر نشده و مخصوصاً، بواسطه سرعت تیر اسلحه آنها، رخنه کردن در میانشان کار چندان سهل و ساده‌ای نبود، مگر اینکه مهاجم باستعمال توپ و تفنگ و مسلسل‌های بیشتری متوسل میشد.

این گونه توده‌ها، در حال تاخت و تاز، مناطق ویران و مخروبی پشت سر خود باقی می‌گذاشتند، مانند زمین هائیکه از بلا و آفت بزرگی آسیب دیده باشند؛ باین خرابیها، که همه جا را فرا گرفته و با این جاده‌ها و پلهای مخروب، فضاها قابل عبوری هم با تراکم اسلحه و ملزومات بسیاری که توده‌های فراری جا گذارده و رها میکردند مسدود گشته و از اینرو هر گونه حرکتی ممنوع میشد.

بدین طریق، چه مشکلاتی برای سرستونهای مأمور تعاقب پیشامد میکرد، خاصه در موردیکه بآرایش فوری و فوئی قوای مکفی محتاج میشدند، برای اینکه همین عده‌های «درهم و برهم» را درهم شکسته و توده آنها را شکافته و یا اینکه احاطه نمایند! البته، موفقیت منوط باین بود که تویخانه عظیمی استعمال کنند.

ولی به نسبت پیشرفتهای فانتحانه ستونها، میبایستی تدارکات آنها از حیث خوراک و مهمات تأمین گردد، و همین خود مستلزم عملیاتی بود که با فقدان راه آهن و خرابی جاده‌ها پیشروی ستونها را دچار تعویق میکرد.

باین اوضاع و احوال، کلیه ارتشهای منظم متفقین بتعاقب عده‌های بی نظمی که آن بآن بر اختلال آنها افزوده میشد مبادرت نموده، و قدم بقدم ملزومات فراوان و اسرای پیشماری جمع آوری میکردند. باین آهنگ و این روش، عملیات را تا «رن» تعقیب مینمودند، تا در آنجا پس از ایجاد تکیه گاه نیرومند جدیدی و پس از ترمیم کلیه مواصلات ضروری، پیشروی خود را دنبال کنند، ولی البته در صورتیکه حادثه عظیمی در توده دشمن بوقوع نمی‌پیوست.

ولی هرج و مرجی که ارتشهای فاتح متفقین در صفوف درهم شکسته دشمن ایجاد کرده بودند آن بآن شدت یافته و با سرعت زیادی بروخامت اوضاع میافزود، و اینک بطغیان و عصیان عده‌های آلمانی منتهی میشد. این بی نظمی بداخله آلمان نیز سرایت کرده و انقلاب را، که از این مصیبت ناشی میشد، تحریک میکرد، و بالتبعه افکار عمومی را بدم امکان مقاومت تقویت می نمود.

آلمان، که در نتیجه جنگ چهار ساله بقحطی دچار شده بود، غیر از ارتش درهم شکسته و مختلی، که قادر نبود از سیل فتوحات متفقین جلو گیری کند، قوای دیگری نداشت؛ این توده لجام گسیخته نیز بر علیه فرماندهان خود قیام کرده و در حال طغیان بود. کشور تسلیم فاجعین میشد. از اینرو، دولت آلمان معاهده متارکه جنگ را بدون هیچگونه چون و چرائی امضاء نمود، تا بدین طریق بقایای هستی خود را از مخاطرات جنگ نجات دهد.

* * *

در ۱۱ نوامبر، دستور جامعی بفرماندهان کل مخبره کردم. این دستور شامل شرایطی بود که چگونگی اشغال اراضی را که دشمن تخلیه میکرد جهت ارتشهای متفقین مقرر میداشت.

در ۱۷ نوامبر، ارتشهای متفقین از جبهه ایکه در موقع قطع مخاصمات داشتند تجاوز میکردند. در ۳۰ نوامبر، کلیه مناطق منصرفی دشمن (فرانسه، بلژیک، لوگزامبورگ، آلزاس-لرن) دیگر بار کاملاً بوسیله ارتشهای مزبور اشغال شده بود. من خود در ۲۵ به «مس» (Metz) و در ۲۶ به «استراسبورگ» ورود میکردم. در خلال این احوال، مقدمات اشغال آئینه اراضی «رنانی» (Rhénanie) را فراهم میکردیم. اشغال این اراضی شامل چهار منطقه ذیل بود: «مایانس» (Mayence)، «کبلنتس» (Coblentz)، «کولنی» (Cologne) و «اکس لاشابل» (Aix-la-Chapelle)، که بهمین ترتیب بفرماندهی فرانسه، امریکا، انگلیس و بلژیک سپرده شده بود. تصمیم متفقین بر این بود که در هر منطقه‌ای عده‌ها اصولاً دارای ملیت واحدی باشند؛ ولی با اینوصف، در سر بلها،

و همچنین در مناطق ساحل سمت چپ رود «رن» مابین سریل «کلنی» و سرحد هلند، قرار بر این گذاشته شده بود که، از لحاظ حفظ جنبه بین‌المللی اشغال این مناطق، ساخلوهای مرکب از عده‌های متعلق به چند ملت از ملل متفقین تشکیل یابد. در آغاز کار، برای اشغال «رنانی»، ارتشهای متفقین، اعم از ارتشهای خط مقدم و ارتشهای احتیاط، رویهم‌رفته به ۱۶ سپاه بالغ میشد: یعنی جملاً، ۴ لشکر و ۵ لشکر سوار، که نگاهداری آنها بعهده دولت آلمان محول میگردد.

در عمل، جنبه بین‌المللی اشغال سرپلها ممکن نشد کاملاً رعایت کرد. چنانکه، سریل «کلنی» بکلی بانگلیسها سپرده شد، چه آنکه لشکر فرانسوی که بنا بود در اشغال آن سهم باشد، برحسب مقتضیات و احتیاجات موقع، بمنطقه بلژیکی «راکس لاشاپل» منتقل شده بود.

در یکم دسامبر، ارتشهای متفقین داخل آلمان شدند. در ۹، برود «رن» رسیده، و در ۱۳ از آن عبور کرده و بالاخره در ۱۷ سرپلها را کاملاً اشغال کرده بودند.

از این تاریخ، ارتشهای متفقین نگهبانی رود «رن» را عهده‌دار بودند. از آنجا، آلمان را در زیر قدم خود مغلوب می‌دیدند، برای ارتشهای مزبور کاملاً میسر بود که با اندک حرکتی آلمانرا، در صورت بوالهوسی و بلند پروازی، از قدم علم کردن باز دارند. از آنجا، کلیه وسائل لازمه را فراهم کرده و بدست دولتهای متفقین داده بودند تا هر گونه صلح مناسبی را که مقتضی پندارند بردول مرکزی تحمیل سازند. بدین طریق، ارتشهای مزبور تکلیف خود را بوجه احسن انجام داده بودند.

* * *

با همه این مقدمات، و با همه این شتاب عمومی برای نیل باین صلح قطعی که جهان نشئه آن بود، مذاکرانی که میبایستی بانعقاد آن منتهی گردد خواهی نخواهی بطول انجامید. تاخیر «ویلسن» رئیس‌جمهور امریکا در ورود بفرانسه، بسط و اهمیت مسائل طرح شده، ضرورت حصول قبلی موافقت کلیه متفقین که

غالباً در حل مسائل مزبور عقاید متضادی داشتند ، همه آنها مستلزم صرف اوقات زیادی بود ، تا جائیکه با وجود حسن نیت ، جدیت و تلاش فوق العاده مبتکرین صلح ، تنظیم عهد نامه صلح از جانب متفقین چهار ماه و قبول شدن آن از طرف آلمان پنج ماه بطول انجامید .

ولی ، اعتبار معاهده متارکه جنگ « رتند » (Rethondes) از حدود سی و شش روز تجاوز نمی نمود . این مدت نیز در ۱۷ دسامبر سپری میشد ، و این در موقعی بود که نمایندگان مختار متفقین ، که مأمور انعقاد صلح بودند ، تازه پاریس ورود مینمودند . این بود که معاهده ۱۱ نوامبر بناچار تجدید گردید .

مذاکرات مربوط بتمدید مدت متارکه جنگ ، در ۱۲ و ۱۳ دسامبر ۱۹۱۸ ، در « ترو » (Trèves) ، باز در همان واکن دفتری مارشال « فیس » و مابین همان نمایندگان مختاریکه در « رتند » مجتمع شده بودند ، بمیان آمد .

بدون اینکه در جزئیات این مذاکرات داخل شویم ، همین بس متذکر شویم که مذاکرات مزبور بتتایج ذیل منتهی گردید :

۱ - طول مدت متارکه جنگ یکماه تمدید مییافت ، یعنی تا ۱۷ ژانویه ۱۹۱۹ .
۲ - فرماندهی کل متفقین این حق را برای خود محفوظ میداشت که هر وقت مقتضی بپندارد منطقه پهلرف ساحل سمت راست رود « رن » را ، در شمال سربل « کلنی » و تا سرحد هلند ، بعنوان وثیقه دیگری اشغال نماید .

انتظار میرفت که ، تا انقضای موعد معاهده جدید ، تنظیم متن مقدمات عهدنامه صلح که آلمانها نیز با کمال اشتیاق در انتظار آن بودند و تسلیم آن بدولت آلمان میسر گردد . حقیقتاً ، این اقدام تنها راه حل طبیعی بود که اندک فراغت ، یعنی آسایش و استراحتی برای قوای حاضر جنگ طرفین فراهم میکرد .

ولی بدبختانه ، ایندفعه نیز مقدمات صالح بموقع حاضر نشد ؛ این بود که در ۱۵ و ۱۶ ژانویه دیگر بار به « ترو » (Trèves) عازم شدم ، برای اینکه معاهده متارکه جنگ را با نمایندگان آلمان تجدید کنم . در تمدید مدت معاهده مزبور ، تصمیمات عمده ذیل اتخاذ گردید :

- ۱ - تمدید یکماهه مدت متار که جنگ ، تا ۱۷ فوریه ؛
 - ۲ - تسلیم ماشینها و ادوات فلاحتی از طرف آلمانها ؛
 - ۳ - تشکیل کمیسیون متفقین در «بران» بمنظور بازرسی وضعیت اسرای جنگی روسیه در آلمان ؛
 - ۴ - مقررات تفصیلی راجع باجرای بعضی از مقررات معاهده ۱۱ نوامبر ، مربوط به تسلیم کشتیهای آلمانی و استرداد ملزومات مأخوذه در فرانسه و در بلژیک ؛
 - ۵ - برای تأمین تدارکات آلمان و بقیه اروپا از حیث خوراک ، دولت آلمان تمام کشتیهای تجارتی خود را ، در طول مدت متار که جنگ ، تحت نظر متفقین تدارک میداد که در زیر پرچمهای متفقین خدمت نمایند ؛
 - ۶ - فرماندهی کل متفقین این حق را برای خود محفوظ میداشت که ، لدی الاقتضا ، قطعه ساخلوی «استراسبورگ» را که قلاع و استحکامات ساحل سمت راست رود «رن» آنرا تشکیل میدهند ، باضمام حاشیه‌ای از زمین پهناى ۵ الی ۱۰ کیلومتر در جلوی این قلاع ، بعنوان وثیقه جدیدی اشغال نماید .
- همانطوریکه در نخستین دفعه تمدید مدت متار که جنگ انتظار میرفت ، اکنون نیز ، در نوبت دوم تجدید معاهده متار که جنگ ، امید میرفت که مقدمات صلح پیش از انقضای موعده این معاهده تأمین گردد . ولی از آنجائیکه تنظیم مقررات مقدماتی در طول مدت معاهده اخیر مقدور نشد ، و حتی دولتهای متفقین از اقدام باین امر منصرف شده بودند ، متار که جنگ در دفعه سوم تمدید داده شد ؛ ولی موافقت حاصل گردید که این تمدید مدت آخری بوده و ایندفعه مدت معینی مقرر نشود ؛ و فقط دول معظمه متفقین این حق را برای خود حفظ کرده بودند که لدی الاقتضا بمتار که جنگ خاتمه دهند و در این صورت تصمیم خود را سه روز پیش از وقت اعلام نمایند .
- در این نوبت ، مقررات جدیدی وضع نشد . تعقیب و تکمیل مقررات ناقصی که تا آن موقع تنظیم گردیده بود بکمیسیون دائمی متار که جنگ محول گردید .
- از طرفی هم ، بآلمانها تکلیف شده بود که از هر گونه عملیات تعرضی بر ضد

لهستانها ، خواه در منطقه «پوزن» (Posen) و خواه در منطقه دیگری ، فی الفور چشم پوشند: برای تأمین این منظور هم ، خطی برای تعیین حد فاصل رسم گردید ، تا عده‌های آلمانی از حدود آن تجاوز نمایند .

* * *

معاهده ورسای

در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ ، معاهدات صلح در تالار آئینه (Galerie des Glaces) قصر « ورسای » (Versailles) منعقد شده و امضاء گردید .

یا بیان



انصاف مشاهده صلح در « ورسای » - کلامسو مشون انصاف - ورس مشاهده است

بررسی کلی جنگ

در اینموقع که شرح عملیات جنگی پایان میرسد بررسی کلی آن می پردازیم:

۱ - مختصات جنگهای ائتلافی - جنگ بین المللی جنبه جنگهای ائتلافی را

کاملاً دربرداشته و از اینرو کلیه معایب مخصوص باینگونه جنگها را دارا بوده که برجسته ترین آن عبارت از فقدان وحدت نقشه و وحدت فرماندهی است. رفع

این معایب اصلی در تمام طول مدت جنگ، حتی در موقعی هم که طرفین متخاصم کم و بیش فرماندهی واحدی قائل شده بودند، میسر نگردید؛ چنانکه مبهم بودن نقشه ها، نشت و پراکندگی عملیات، تجزیه وتفکیک مساعی همگی نتیجه روشی بود که طرفین برای تأمین مصالح و منافع سیاسی و اقتصادی خویش اتخاذ کرده بودند و در سرتاسر عملیات بطور نمایان مشهود میگردد.

۲ - علل عمده دوام جنگ - در آغاز کار، دول متخاصم اغلب بخاتمه سریع

جنگ امیدوار بودند، غافل ازاینکه جنگ بیش از چهار سال دوام یافته و صرف قوای تمام دنیا را ایجاب خواهد نمود. این اشتباه ناشی از جهات ذیل بود:

(الف) تصور مینمودند که تنها ارتشها عهده دار جنگ خواهند شد اما بهیچوجه گمان نمیکردند که بالاخره ملل جهان بایکدیگر دست بگریبان خواهند گردید.

(ب) میزان پایداری و تاب مقاومت نوده های ملل را نسجیده بودند:

(ج) با اهمیت راه آهن واقف نشده و هنوز باین مسئله بر نخورده بودند که

راه آهن قادر میباشد ارتشهای مجزا را، که با سخت ترین شکستها مواجه شده

و آسیبهای بزرگی دیده باشند ، با حمل فوری قوای نازه نفس معتابهی ترمیم و تجدید نماید .

۵ - چون این جنگ منافع حیاتی دول را هدف خود قرار داده بود لذا همین خود خانمه سریع جنگ را غیر ممکن میساخت .

۳ - مطامع سیاسی و اقتصادی - مطامع سیاسی و اقتصادی دول و مخصوصاً حرص و آز آنها در بسط حدود و تحصیل مستملکات جدید غالباً در روش عملیات طرفین متخاصم تأثیرات زیادی می بخشید ؛ زیرا همین خود آنها را از تمرکز و مسائل خویش باز داشته و بالعکس توجه و قوای آنها را متفرق میساخت . همین مطامع مانع میشد از اینکه آلمان توجه خویش را از دشمن فرعی یعنی جبهه شرق منحرف ساخته و بحریفان اصلی خود در جبهه غرب معطوف دارد و بالنتیجه موفق گردد که در همان سال ۱۹۱۵ آنها را درهم شکند . برنامه « لودندرف » در مشرق و تحمیل صلح « برست - لیتوسک » بروسها ، که از احاطه مصالح آلمان غیر عاقلانه بود ، بواسطه بی اساسی و از گون گردید . « برداشت قوا از جبهات فرعی و تمرکز آنها در نقطه اصلی ، بمنظور وارد ساختن ضربت نهائی بر دشمن اصلی ، از اصول دیرینه ناپلئونی است که آلمانها فراموش کرده بودند و زیان این فراموشی هم عاید خود آنها گردید .

۴ - اهمیت راه آهن در جنگ عصر کنونی - در این جنگ معلوم گردید که راه آهن میتواند ، چنانکه گفته شد ، ارتشهای تحلیل رفته ای را ، با رسانیدن قوای نازه نفسی در محل ترمیم و تجدید کرده و با کمال فوریت بادامه جنگ قادر سازد . بعلاوه ، حقیقت مسلمی که دیگر بار در این جنگ محرز گردید ، این بود که مدلل شد : ارتشهاییکه بخطوط آهن متکی باشند ، چنانچه از لحاظ توسعه خطوط قانونی بین آنها موجود باشد ، درست مثل اینست که در دو عصر متفاوت با یکدیگر مبارزه نمایند ؛ از مقایسه جنبه عملیات از طرفی در صحنه های روس ، بالکان و آسیا ، و از